

ابوبشر تهذیب کرد (ابن ندیم، همان، ۲۵۱). ابن ندیم در جای دیگر (همان، ۲۶۳) از ترجمه شرح اسکندر افرویدی بر همان کتاب به دست ابوبشر متی یاد کرده است؛ ۱۸. ترجمه مقاله یازدهم (مقاله اللام) از مابعدالطبیعه ارسطو و ترجمه تفسیر اسکندر افرویدی بر آن (همان، ۲۵۱) که بخشی از آن در ۱۹۴۸ م توسط بوئیژ^۱ منتشر شد (والزر، ۶۶). عبدالرحمن بدوی نیز آن را در کویت (۱۹۷۸ م) منتشر کرد؛ ۱۹. مقاله فی مقدمات صدر بها کتاب آنالوطیقا (ابن ندیم، همان، ۲۶۴)؛ ۲۰. المقایس الشرطیة (همانجا).

ماخذ ابن ابی اصیبعه، احمد بن قاسم، عیون الانباء، به کوشش اوگوست مولر، قاهره، ۱۲۹۱ ق / ۱۸۸۲ م؛ ابن خلکان، وفیات؛ ابن عبری، گریگوریوس، تاریخ مختصر الدول، بیروت، ۱۹۵۸ م؛ ابن ندیم، الفهرست؛ هو، همان، به کوشش گ. فلوگل، لایپزیک، ۱۸۷۲ م؛ ابوحنیف توحیدی، الامتاع و الموائسة، به کوشش احمد امین و احمدالزین، قاهره، ۱۹۳۹ م؛ بدوی، عبدالرحمن، ارسطو عند العرب، کویت، ۱۹۷۸ م؛ هو، منطق ارسطو، کویت/بیروت، ۱۹۸۰ م؛ دانشنامه: سارتن، جورج، مقدمه بر تاریخ علم، ترجمه غلامحسین صدوی افشار، تهران، ۱۳۵۳ ش؛ عقیقی، السشروقون؛ قفطی، علی بن یوسف، تاریخ الحكماء، به کوشش یولیوس لیرت، لایپزیک، ۱۹۰۳ م؛ مسعودی، علی بن حسین، التیبه و الاشراف، بغداد، ۱۳۵۷ ق؛ یاقوت، ادبا، هو، بلدان؛ نیز:

Suter, Heinrich, *Die Mathematiker und Astronomen der Araber und ihre Werke*, Leipzig, 1900; Walzer, Richard, *Greek into Arabic*, London, 1963.

سید جعفر سجادی

ابوبصیر، عنوان مشترک دو تن از راویان امامیه و اصحاب امام باقر و امام صادق (ع) به نامهای یحیی بن ابی القاسم اسدی و لیث بن بختری مرادی. در بسیاری از روایات امامیه نام ابوبصیر بدون افزودن هیچ قیدی، در سلسله اسناد قرار گرفته و تنها با کمک گرفتن از قراین خارجی ممکن است هویت راوی را حدس زد؛ اما شمار اسانیدی که هویت ابوبصیر در آنها با قیدی تعیین شده، بسیار اندک است و گاه برخی از این قیود ذکر شد نیز به خودی خود چندان استوار نیست و احتمال می رود ناشی از خلط بوده باشد. اشتراک عنوان «ابوبصیر» میان یحیی اسدی و لیث مرادی سبب شده است تا بحث و پژوهش در هویت ابوبصیر در اسانید گوناگون در بین محدثان و رجال شناسان امامی کمابیش از همان سده های نخستین مطرح گردد و تا امروز ادامه یابد. از این رو تفکیک این دو شخصیت هم عصر که هر دو در کوفه متوطن بوده اند، در پاره ای موارد نمی تواند از قطعیت برخوردار باشد.

۱. ابوبصیر یحیی بن ابی القاسم اسدی (د ۱۵۰ ق / ۷۶۷ م)، از رجال امامی کوفه. کنیه او ابومحمد بود و شاید از آن رو ابوبصیر خوانده می شد که از بینایی محروم بود (کشی، ۱۷۳، ۴۷۶؛ طوسی، رجال، ۱۴۰، ۳۳۳). ابوالقاسم کنیه پدر وی بوده و نام او اسحاق ثبت شده است (همان، ۱۴۰؛ مفید، الاختصاص، ۸۳)، ولی در برخی از منابع ابوالقاسم به صورت قاسم و به عنوان نام پدر یحیی آمده است (مثلاً نک: نجاشی، ۴۴۱). نسبت اسدی به جهت رابطه ولای خاندان او

که ابو عمرو طبری هم به روایت از ابوبشر متی بر آن تعلیقه نوشت (ابن ندیم، همان، ۲۵۱؛ قس: هو، الفهرست، ۳۱۱) که ترجمه آن را به ابوبشر طبری نسبت داده و بی گمان در این نسخه میان ابوبشر متی و ابو عمرو طبری خلطی روی داده است؛ نیز قس: همان، ۳۱۲، ذیل کتاب الحسن و المحسوس؛ ۲. تفسیر آنالوطیقای اول (قیاس) ارسطو. ابو بشر نخستین کسی بود که دو مقاله تمام از آن را تفسیر کرد (ابن ندیم، چ فلوگل، ۲۴۹)؛ ۳. ترجمه آنالوطیقای دوم (برهان). ابن رساله را اسحاق بن حنین به سریانی ترجمه کرده بود و ابوبشر آن را به عربی بازگردانید و تفسیری بر آن نوشت (همانجا). این رساله به کوشش عبدالرحمن بدوی در جزو منطق ارسطو (۳۲۹/۲ - ۴۸۵) منتشر شده است (کویت / بیروت، ۱۹۸۰ م)؛ ۴. ترجمه بوئیقا^۲ (شعر) ارسطو از سریانی به عربی (ابن ندیم، همان، ۲۵۰). نخستین بار مارگلیوث اعلام کرد که این ترجمه از آن ابوبشر است و هو آن را در ۱۸۸۷ م در آکسفورد انتشار داد (عقیقی، ۵۱۸/۲). سپس تکاج^۳ به اشاره و نظارت آکادمی علوم وین به تحقیق و ویرایش مجدد آن همت گماشت، ولی عمرش به سرآمد و پس از مرگ او در سالهای ۱۹۲۳ تا ۱۹۲۸ م متن عربی همراه با ترجمه لاتین آن در وین منتشر شد. عبدالرحمن بدوی نیز در ۱۹۵۳ م آن را در قاهره به طبع رسانید و در ۱۹۶۷ م ویرایش جدیدی از آن توسط شکری محمد عیاد در قاهره منتشر شد؛ ۵. ترجمه اعتبار الحكم و تعقب المواضع ثامسطیوس^۴ (ابن ندیم، همان، ۲۶۴)؛ ۶. شرح کتاب ایساغوجی^۵ (مقدمه یا مدخل بر منطق) فروریوس^۶ (ابن ابی اصیبعه، ۲۳۵/۱)؛ ۷. شرح باری ارمیناس^۷ (قضایا) ارسطو (قفطی، ۳۵، ۳۶؛ ابن ندیم، همان، ۲۴۹)؛ ۸. تعلیقات بر الحسن و المحسوس ارسطو که به گفته ابن ندیم (همان، ۲۵۱) این تعلیقات را ابو عمرو طبری به روایت از ابوبشر بر آن کتاب نوشت (نک: قفطی، ۴۱)؛ ۹. ترجمه بخشی از مقاله اول السماء و العالم ارسطو (ابن ندیم، همان، ۲۵۰) و نیز ترجمه شرح اسکندر افرویدی^۸ بر آن کتاب که ابوزکریا یحیی بن عدی شاگرد ابو بشر آن را تهذیب کرد (همان، ۲۶۴)؛ ۱۰. شرح بر شرح ثامسطیوس بر سماع طبیعی ارسطو به سریانی (همان، ۲۵۰)؛ ۱۱. ترجمه سوفسطیقای^۹ ارسطو به سریانی (همان، ۲۴۹)؛ ۱۲. شرح کتاب الطبیعه ارسطو که بدوی آن را همراه شروح دیگر در قاهره (۱۹۶۴، ۱۹۶۵ م) منتشر کرده است؛ ۱۳. تفسیر مقاله اول طویقا^{۱۰} (جدل) ارسطو (همانجا)؛ ۱۴. تعلیقات بر رساله الفصول اسکندر افرویدی که عبدالرحمن بدوی آن را در کتاب ارسطو عند العرب (ص ۲۹۵ - ۳۰۸) منتشر کرده است (کویت، ۱۹۷۸ م)؛ ۱۵. شرح فاطیغوریاس ارسطو (ابن ندیم، همان، ۲۴۸)؛ ۱۶. ترجمه کنائش صغیر یحیی بن سربایون (ابن ابی اصیبعه، ۱۰۹/۱)؛ ۱۷. ترجمه شرح الیمپودروس بر کتاب الکون و الفساد ارسطو. این ترجمه را یحیی بن عدی شاگرد

1. Peri Poyetikes.

2. J. Tkatsch

3. Themistius

4. Isagoge.

5. Porphyry

6. Peri ermeneyas.

7.

Alexander of Aphrodisias

8. Peri Sofistikon.

9. Topika.

10. Bouyges

با قبیله عرب بنی‌اسد بود (کشی، ۱۷۳؛ طوسی، همان، ۳۳۳؛ مفید، همانجا). طوسی در رجال (همانجا) او را از اهل کوفه شمرده است. همو و نجاشی (همانجاها) به سال وفات وی تصریح کرده‌اند. ابوبصیر اسدی چندی در صحبت امام محمدباقر (ع) (امامت: ۹۵ - ۱۱۴ ق) بود و پس از آن در جرگه اصحاب امام جعفر صادق (ع) (امامت: ۱۱۴ - شوال ۱۴۸) در آمد. انبوهی از روایات برجای مانده اعتقادی و فقهی در کتب حدیث امامیه که از طریق ابوبصیر از آن امام روایت شده است، نشان از میزان این بهره‌گیری دارد (نیز نک: برقی، الرجال، ۱۷، ۱۱؛ طوسی، همان، ۱۴۰، ۳۳۳؛ نجاشی، همانجا). طوسی (همان، ۳۶۴) وی را در شمار اصحاب امام موسی کاظم (ع) (امامت: ۱۴۸ - ۱۸۳ ق) نیز آورده است (قس: نجاشی، همانجا). ولی باید در نظر داشت که وی تنها حدود ۲ سال از امامت آن حضرت را درک کرده و شمار روایات موجود به نقل ابوبصیر (بدون قید) از امام کاظم (ع) بسیار اندک است. ابوبصیر اسدی بجز محضر امامان، از برخی راویان امامی چون ابوحمزه ثمالی و صالح (عمران) بن میثم نیز روایت کرده است (نک: برقی، المحاسن، ۳۰۹؛ کلینی، ۱۸۵/۷ - ۱۸۶؛ ابن‌بابویه، محمد، امالی، ۲۶۸).

ابوبصیر اسدی به سان یکی از حاملان پرانندوخته حدیث اهل بیت در کوفه شناخته می‌شد و در میان آنان که از او حدیث فرا گرفتند، نام رجال چون ابان بن عثمان احمر، عاصم بن حمید حناط، حسین بن ابی‌العلاء و عبدالله بن حماد انصاری به چشم می‌خورد (نک: ابن‌بابویه، محمد، فقیه، ۱۲۱/۴؛ طوسی، الفهرست، ۱۷۸، امالی، ۹۵/۲، ۱۵۷). همچنین باید از علی بن ابی‌حمزه بطنانی، عبدالله بن وضاح و شعیب عفرقونی، خواهرزاده ابوبصیر اسدی، نام برد که شاگردان خاص وی بوده‌اند (نک: نجاشی، ۲۱۵، ۲۴۹؛ کشی، ۱۷۱).

ابوبصیر اسدی در پی سالها درک صحبت امام محمدباقر و امام صادق (ع) طبعاً یکی از قطبهای رهبری فکری جامعه امامی کوفه محسوب می‌شد، روایات متعددی در دست است که نشان می‌دهد ابوبصیر (ظاهراً اسدی) در صحنه‌های مبارزه فکری با گروههای مخالف چون مختاریه و زیدیه حضور داشته است (نک: کلینی، ۲۹۱/۱؛ کشی، ۲۴۰ - ۲۴۱، جم).

در ۱۴۸ ق به دنبال وفات امام جعفر صادق (ع)، فرزند ارشد او موسوم به عبدالله دعوی امامت کرد و پیروان او که «قطبیه» نامیده می‌شدند، در مقابل گروهی از شیعیان قرار داشتند که بلاواسطه پس از امام صادق (ع) به امامت امام کاظم (ع) قائل بودند. وقوع این بحران با سالهای پایانی عمر ابوبصیر اسدی مصادف بود و موضع‌گیری او در مقابل قطبیه از وی چهره‌ای وجیه نزد پیروان امام کاظم (ع) ترسیم نمود؛ چنانکه در روایات آنان ابوبصیر در زمره گروهی از اصحاب امام صادق (ع) شمرده شده است که از آغاز به عبدالله پشت کرده، به امام کاظم (ع) روی آوردند (نک: کلینی، ۳۵۱/۱ - ۳۵۲؛ کشی، ۲۸۲ - ۲۸۴). در منابع گوناگون مطالبی از طریق علی بن ابی‌حمزه روایت

شده است که بیان می‌دارد ابوبصیر (اسدی) اندکی پس از وفات امام صادق (ع) در حالی که عبدالله افطح هنوز زنده بود، برای گزاردن حج به حجاز رفته و ضمن دیدار با امام کاظم (ع) مراتب وفاداری خود را به امام اعلام کرده است (نک: حمیری، ۱۴۶؛ کلینی، ۲۸۵/۱ - ۲۴۴/۲؛ مسعودی، ۱۶۷ - ۱۶۸؛ دلائل الامامة، ۱۶۳، ۱۹۳).

در روایاتی که پیروان امام کاظم (ع) از زبان ابوبصیر نقل کرده‌اند، وی پایه‌های عقیدتی فطحیه درباره امامت را مورد حمله قرار داده است (نک: ابن‌بابویه، علی، ۴۹، ۷۴؛ مسعودی، ۱۶۱). اگر چه در روایات مذکور تصریح نشده که کدام ابوبصیر موردنظر بوده است، ولی حرمت ویژه ابوبصیر مرادی نزد فطحیان، این احتمال را که وی ابوبصیر اسدی باشد، مرجح می‌سازد. شاید به سبب همین شخصیت ضد فطحی ابوبصیر اسدی بوده باشد که این فضال، رجال‌شناس نامی فطحیه، در نقد رجالی ابوبصیر اسدی، او را «مخلط» قلمداد کرده است (نک: کشی، ۱۷۳، ۴۷۶).

در زمان افتراق بعدی امامیه و تقسیم پیروان امام کاظم (ع) به واقفه (منکران وفات وی و قائلان به مهدویت آن حضرت) و قطبیه (قائلان به جانشینی امام رضا (ع))، سالها از وفات ابوبصیر اسدی می‌گذشت و همین امر موجب آن بود که هر دو دسته در شخصیت ابوبصیر اسدی با دیده احترام بنگرند. علی بن ابی‌حمزه بطنانی که در گذشته از شاگردان خاص ابوبصیر اسدی بود و اکنون از سران واقفه به شمار می‌رفت، با نقشی که در انتقال آثار ابوبصیر و روایات او به آیندگان ایفا کرد، موجب شد که حتی در آثار قطبیه (در دوره‌های بعد اثناعشریه) به عنوان راوی درجه اول ابوبصیر اسدی شناخته شود (نک: ابن‌بابویه، محمد، «مشيخة»، ۱۸؛ طوسی، الفهرست، همانجا؛ نجاشی، ۴۴۱).

علی بن ابی‌حمزه و فرزندش حسن که او هم مذهب واقفی داشت، در آثار خود بسیار بیش از دیگر اصحاب ائمه، از روایات ابوبصیر بهره گرفته‌اند (نک: همو، ۲۵۰). به نقل از تفسیر علی بن ابی‌حمزه: ابن‌بابویه، محمد، ثواب الاعمال، ۱۳۰ به بعد، به نقل از فضائل القرآن حسن بن علی (قس: نجاشی، ۳۷). به علاوه در منابع واقفی، برخی روایات در اثبات باورهای مذهب واقفه از زبان ابوبصیر (اسدی) نقل شده است (نک: علوی، شه ۲۱، ۲۳، ۳۳؛ کشی، ۴۷۴ - ۴۷۶). از سوی دیگر قطبیه، ابوبصیر اسدی را به عنوان یک راوی «وجیه و ثقه» می‌شناختند، همان تعبیری که نجاشی درباره او به کار برده است (ص ۴۴۱). نام او در شمار ۶ تن «اصحاب اجماع» از یاران امام باقر و امام صادق (ع) آورده شده است که «طایفه» بر صدق حدیث و فقاها آنان اجماع نموده‌اند (نک: کشی، ۲۳۸؛ طوسی، عده الاصول، ۳۸۴/۱). همچنین در منابع اثناعشری به روایت حدیثی از ابوبصیر برخورد می‌کنیم که به «حدیث لوح» شهرت دارد و در آن اعتقاد به امامان دوازده‌گانه با تفصیل نسبی مطرح شده است (نک: کلینی، ۵۲۷/۱ - ۵۲۸؛ نعمانی، ۴۲ - ۴۴؛ ابن‌بابویه، محمد، کمال الدین، ۳۰۸/۱ - ۳۱۱) و به قرینه همراهی عبدالرحمن بن سالم (راوی این حدیث) با

۵۵). در سلسله سند حدیثی از المحاسن برقی (ص ۳۷) روایت لیث مرادی از ابوبصیر (شاید اسدی) دیده می‌شود و با توجه به آنچه ذکر شد و اینکه نجاشی (همانجا) لیث مرادی را «ابوبصیر اصغر» خوانده است، دور نیست که وی قدری نسبت به ابوبصیر اسدی تأخر طبقه داشته باشد.

از مهم‌ترین شاگردان ابوبصیر مرادی که روایات زیادی از او نقل کرده است، ابوجمیله مفضل بن صالح اسدی است و در درجه بعد می‌توان از عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر و عبدالکریم بن عمرو خنعمی یاد کرد که روایت آنان از ابوبصیر مرادی مورد تصریح قرار گرفته است (نک: کلینی، ۶۰/۲، ۳۱۰/۷، جم: ابن بابویه، محمد، همانجا؛ نجاشی، همانجا).

ابوبصیر مرادی، همان طور که شعیب عرقوفی اظهار داشته است (کشی، ۱۷۲)، وفات امام صادق (ع) را درک کرده است، ولی گزارش صریحی در مورد موضع‌گیری او در قبال فطحیه دیده نمی‌شود. روایت عرقوفی حاکی است که ابوبصیر مرادی به امام کاظم (ع) باور نداشته است (کشی، همانجا، ش: ۲۹۳، نیز ش: ۲۹۲؛ طوسی، تهذیب، ۲۵/۱۰) و گفتار ابن غضائری، رجال‌شناس اثناعشری اشارت دارد که مذهب وی مستقیم نبوده است (نک: علامه حلی، همانجا).

در مورد رابطه او با امام کاظم (ع)، اگرچه طوسی در الفهرست (ص ۱۳۰) و رجال (ص ۳۵۸) او را در زمره اصحاب آن حضرت آورده است، ولی این نکته در کلام برقی، کشی و نجاشی تأیید نشده و در اسانید روایات نیز روایت او از امام کاظم (ع) به اثبات نرسیده است. اگر شواهد پراکنده یاد شده را در کنار روایات ستایش‌آمیز فطحیان درباره ابوبصیر مرادی قرار دهیم، به نتیجه‌گیری درباره گرایش مذهبی ابوبصیر مرادی کمک خواهد کرد.

از آن جمله باید به روایتی به نقل از علی بن اسباط فطحی اشاره کرد که در آن نام ابوبصیر مرادی در شمار چندتن از اصحاب امامان باقر و صادق (ع) یاد شده و در انتخاب شخصیتها تأثیر دیدگاه فطحی احساس می‌شود (نک: کشی، ۱۰۹؛ مفید، الاختصاص، ۶۱-۶۲). در روایتی دیگر از طریق علی بن اسباط، ابوبصیر مرادی یکی از چهار تن دانسته شده که در حیات و ممات، زینت و آبروی اهل بیت بوده، از مصادیق قوامون به قسط، سابقون و مقربون شمرده می‌شدند (کشی، ۱۷۰، ش: ۲۸۷، نیز ۲۳۸-۲۳۹، ش: ۴۳۲). در روایت دیگر نیز از طریق علی بن اسباط و علی بن حدید فطحی، ابوبصیر مرادی در عداد چهارتن اوتاد زمین و اعلام دین محسوب شده است (همو، ۲۳۸، ش: ۴۳۲).

اما از دیدگاه منابع غیر فطحی در بادی امر باید به روایات پراکنده‌ای توجه کرد که کشی نقل کرده و این در حالی است که خود در تمیز ابوبصیرها (دست کم بر اساس نسخه موجود از کتاب وی) به شدت دچار خلط بوده است. کشی علاوه بر روایات علی بن اسباط و علی بن حدید که یاد شد، دو روایت دیگر نقل کرده که در آنها ابوبصیر

علی بن ابی حمزه در روایت از ابوبصیر در برخی از اسانید می‌توان به احتمال قوی‌تر ابوبصیر اسدی را مورد نظر در این حدیث دانست (نک: طوسی، تهذیب، ۴۴۳/۱، الاستبصار، ۲۰۳/۱).

برخی از رجال‌شناسان متأخر امامیه همچون علامه حلی (ص ۲۶۴) در اثر آشفتگی موجود در عبارات کشی (ص ۴۷۴-۴۷۶)، شخصیت ابوبصیر یحیی بن ابی‌القاسم اسدی را با یحیی بن قاسم حذاء واقفی یکی دانسته و بر این پایه به واقفی بودن ابوبصیر اسدی حکم کرده‌اند که با توجه به وفات وی در ۱۵۰ ق و آغاز افتراق واقفه در ۱۸۳ ق، واقفی بودن وی منتفی است.

افزون بر روایات بسیار پراکنده در کتب حدیث امامیه، آنچه به عنوان آثار ابوبصیر اسدی با نام از آنها یاد شده، دو عنوان زیر است: کتاب مناسک الحج، به روایت علی بن ابی حمزه و حسین بن علامه (طوسی، الفهرست، همانجا) و کتاب یوم و لیلته، به روایت علی بن ابی حمزه (نجاشی، همانجا). ابن بابویه نیز مجموعه‌ای از روایات فقهی او به روایت علی بن ابی حمزه را در فقیه من لایحضره الفقیه مورد استفاده قرار داده است (نک: ابن بابویه، محمد، «مشیخة»، همانجا). همچنین مجموعه‌ای مشتمل بر حدود ۲۰ حدیث در موضوع «علل» به روایت حسین بن یزید نوفلی از علی بن ابی حمزه به طور پراکنده در علل الشرائع ابن بابویه مورد استفاده واقع شده است (۱۶، ۱۵/۱، جم). ابن بابویه ضمناً تلفیقی از روایت ابوبصیر و محمد بن مسلم را از «کتاب حدیث اربعمائة» به تمامی در الخصال (۶۱۰/۲-۶۳۷) نقل کرده است. علاوه بر آنچه ذکر شد، نوشتاری از ابوبصیر در زمینه احوال ائمه نخستین به روایت محمد بن سنان (در بعضی اسانید با واسطه ابن مسکان) وجود داشته که در آثار کهن امامیه و غیر ایشان مورد استفاده قرار گرفته است (نک: ابن ابی الثلج، ۱۵؛ کلینی، ۴۶۱/۱، ۴۶۳، ۴۶۸؛ خصیسی، ۳۹؛ ابوالفرج، ۵۰؛ ابن خشاب، ۱۶۱، جم). خصیسی (همانجا) تصریح نموده که ابوبصیر مورد نظر در این سند ابوبصیر اسدی است.

۲. ابوبصیر لیث بن بختری مرادی، از رجال امامی کوفه در نیمه نخست سده ۲ ق/م. کتبه اصلی او را ابن غضائری (نک: علامه حلی، ۱۳۷) و نجاشی (ص ۳۲۱) «ابومحمد» و ابن ندیم (ص ۲۷۵) و طوسی (رجال، ۲۷۸) «ابویحیی» آورده‌اند و طوسی (همان، ۱۳۴) او را از اهل کوفه شمرده است. وی در منابع رجالی هم از اصحاب امام باقر (ع) و هم از اصحاب امام صادق (ع) محسوب شده است (برقی، الرجال، ۱۳، ۱۸؛ کشی، ۱۷۰؛ مفید، الاختصاص، ۸۳؛ طوسی، همان، ۱۳۴، ۲۷۸؛ نجاشی، همانجا). ولی در اسانید روایات، نمونه‌ای قطعی برای روایت او از امام باقر (ع) دیده نمی‌شود (برای موارد قابل تردید، نک: مفید، المقننه، ۳۸، سطر ۲۷؛ فخار بن محمد، ۸۴؛ قس: کلینی، ۵۰۹/۳؛ مجلسی، ۱۱۲/۳۵). ابوبصیر مرادی همچنین از برخی راویان حدیث اهل بیت چون عبدالکریم بن عتبة هاشمی (از اصحاب امامان صادق و کاظم (ع)) روایت کرده است (ابن بابویه، محمد، «مشیخة».

مرادی یکی از چهار تن «مختبین» مژده‌ور به بهشت و نیز از احیاکنندگان حدیث اهل بیت (ع) و امانتداران حلال و حرام خداوند دانسته شده است (ص ۱۳۶، ش ۲۱۹، نیز ۱۷۰، ش ۲۸۶). با توجه به قرائن مختلف، از جمله وجود روایتی دیگر با همین مضمون (همو، ۱۳۶، ش ۲۱۸) که در آن نام ابوبصیر (بدون قید) آمده است، می‌توان گفته‌کنشی را درست دانست، با این احتمال که قید «لیث مرادی» و «لیث بن بختی مرادی» در روایت پیشین از افزوده‌های بعدی بوده باشد. کنشی همچنین یادآور شده که بعضی در شمار ۶ تن «اصحاب اجماع» از یاران امام باقر و امام صادق (ع) به جای ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی را قرار داده‌اند (ص ۲۳۸). از دیگر رجال‌شناسان امامیه این غضائری ضمن اینکه مذهب او را مورد طعن دانسته، یادآور شده است که اعتبار روایی او مورد طعن نیست (علامه حلی، همانجا) و نجاشی در شرح احوال وی هم در گرایش مذهبی و هم در اعتبار رجالی او سکوت کرده است (همانجا).

تنها اثر یاد شده از ابوبصیر مرادی کتابی در مسائل فقهی است که بیشتر به روایت ابن فضال فطحنی از ابوجمیله مفضل بن صالح از وی شهرت داشته است (همانجا؛ نیز نک: ابن ندیم، همانجا؛ طوسی، الفهرست، همانجا). این کتاب در سطح محدودی مورد استفاده محدثان چون برقی در المحاسن (ص ۳۳۷)، کلینی در الکافی (۳/۴۶۰)، ۳۴۲/۴ (ج ۱)، ابن بابویه در فقیه (۲/۲۷۴)، طوسی در تهذیب (۱/۱۶۵)، ۱۸۰ (ج ۱) و همو در الاستبصار (۱/۱۵۴) (ج ۱) قرار گرفته و آنگونه که از موارد نقل برمی‌آید، مشتمل بر پاسخهای امام صادق (ع) به سؤالات ابوبصیر مرادی است.

در منابع رجالی و حدیثی شیعه از شخصیت‌های دیگری نیز نام برده شده که «ابوبصیر» خوانده می‌شده‌اند: ابوبصیر عبدالله بن محمد اسدی کوفی از اصحاب امام باقر (ع) (کنشی، ۱۷۴؛ طوسی، رجال، ۱۲۹)؛ ابوبصیر یوسف بن حارث از اصحاب بتری مذهب امام باقر (ع) (همان، ۱۴۱) و ابوبصیر ثقفی (خصیبی، ۳۹).

در سده‌های اخیر چندین اثر مستقل درباره شخصیت رجالی ابوبصیر تألیف شده است که عبارتند از: ۱. ترجمه ابی‌بصیر، از محمد مهدی خوانساری (د ۱۲۴۶ ق)، که همراه الجوامع الفقهیه در ۱۲۷۶ ق چاپ سنگی شده است؛ ۲. ترجمه ابی‌بصیر و تحقیق احواله، از محمدباقر شفتی (د ۱۲۶۰ ق)، که همراه مجموعه‌ای از رسایل رجالی وی در ۱۳۱۴ ق به چاپ رسیده است؛ ۳. ترجمه ابی‌بصیر، از محمد هاشم خوانساری (د ۱۳۱۸ ق)، همراه مجمع‌الفوائد در ۱۳۱۷ ق چاپ شده است؛ ۴. ترجمه ابی‌بصیر و اسحاق بن عمار، از ابوتراب خوانساری (د ۱۳۴۶ ق)؛ ۵. الرسالة المبصرة فی احوال ابی‌بصیر، از محمدتقی شوشتری، چاپ شده به عنوان ملحق در ج ۱۱ قاموس الرجال مؤلف (نیز نک: آقا بزرگ، ۱۴۷/۴ - ۱۴۸، ۲۲۳/۱)؛ ۶. اسناد ابی‌بصیر، از موسی شیرازی زنجانی که عکس نسخه دست‌نویس آن در کتابخانه مرکز موجود است.

ماخذ: آقابزرگ، الذریعة: ابن ابی‌التلیج، محمد بن احمد، «تاریخ الائمة»، مجموعة نفیسة، قم، ۱۴۰۶ ق؛ ابن بابویه، علی بن حسین، الامامة والتبصرة من الحيرة، قم، ۱۴۰۴ ق؛ ابن بابویه، محمد بن علی، امالی، بیروت، ۱۴۰۰ ق؛ ۱۹۸۰م؛ هو، ثواب الاعمال، نجف، ۱۳۹۲ ق؛ ۱۹۷۲م؛ هو، الخصال، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، ۱۳۶۲ ش؛ هو، علل الشرائع، نجف، ۱۳۸۵ ق؛ ۱۹۶۶م؛ هو، فقیه من لا یحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسانی، نجف، ۱۳۷۶ ق؛ هو، کمال‌الدین، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ هو، «شیخة الفقیه»، همراه ج ۴ فقیه: ابن خشاب، عبدالله بن نصر، «تاریخ موالید الائمة ووفیاتهم»، مجموعة نفیسة، قم، ۱۴۰۶ ق؛ ابن ندیم، الفهرست: ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، نجف، ۱۳۸۵ ق؛ ۱۹۶۵م؛ برقی، احمد بن محمد، الرجال، تهران، ۱۳۴۴ ش؛ هو، المحاسن، به کوشش جلال‌الدین محدث، قم، ۱۳۷۱ ق؛ حبیزی، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تهران، ۱۳۶۹ ق؛ خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت، ۱۴۰۶ ق؛ ۱۹۸۶م؛ دلائل الامامة، منسوب به ابن‌رستم طبری، نجف، ۱۳۸۳ ق؛ ۱۹۶۲م؛ طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، به کوشش حسن موسوی خراسانی، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ هو، امالی، بغداد، ۱۳۸۲ ق؛ ۱۹۶۲م؛ هو، تهذیب الاحکام، به کوشش حسن موسوی خراسانی، تهران، ۱۳۹۰ ق؛ هو، رجال، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۱ ق؛ ۱۹۶۱م؛ هو، عدة الاصول، به کوشش محمد مهدی نجف، قم، ۱۴۰۳ ق؛ ۱۹۸۳م؛ هو، الفهرست، به کوشش محمد صادق بحر العلوم، نجف، کتابخانه مرتضویه؛ علامه حلی، حسن بن یوسف، رجال، نجف، ۱۳۸۱ ق؛ ۱۹۶۱م؛ علوی، علی بن احمد، نصره الواقفة، به کوشش احمد پاکتچی، منتشر نشده، فخر بن معد موسوی، ایمان ابی‌طالب، به کوشش محمد بحر العلوم، نجف، ۱۳۸۲ ق؛ ۱۹۶۵م؛ کنشی، محمد، معرفة الرجال، اختیار طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۳۸ ش؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۸۸ ق؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، ۱۴۰۳ ق؛ ۱۹۸۳م؛ مسعودی، علی بن حسین، انبات الوسیة، نجف، ۱۳۷۴ ق؛ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، به کوشش علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسین؛ هو، المقنعة، تهران، ۱۳۷۶ ق؛ نجاشی، احمد بن علی، رجال، به کوشش موسی شیرازی زنجانی، قم، ۱۴۰۷ ق؛ نعمانی، محمد بن ابراهیم، الفیة، بیروت، ۱۴۰۳ ق؛ ۱۹۸۳م.

أَبُو الْبَقَاءِ عُكْبَرِيّ، محب‌الدین عبدالله بن حسین بن عبدالله (۵۳۸ - ۶۱۶ ق/ ۱۱۴۳ - ۱۲۱۹ م)، نحوی و فقیه حنبلی. خاندانش از عکبرا (شهری کوچک در نزدیکی بغداد، نک: یاقوت، ۷۰۵/۳) برخاستند، اما خود در بغداد به دنیا آمد و در همانجا پرورش یافت (ابن خلکان، ۱۰۰/۳؛ ذهبی، المختصر، ۲۱۴؛ قفطی، ۱۱۶/۲). از این رو وی را در نسبت به باب الأَرَج (از محلات بغداد، نک: سمعانی، ۱۱۹/۱) اَرَجی نیز خوانده‌اند (صفدی، الوافی، ۱۳۹/۱۷).

در کودکی به علت ابتلا به آبله از بینایی محروم شد (ابن اثیر، ۴۵۷/۱۲؛ ذهبی، سیر، ۹۲/۲۲؛ ابن ابی‌ک، ۱۴۱)، با این حال از همان اوان جوانی به کسب علوم مختلف پرداخت. ادب عربی و نحو را از ابومحمد ابن خشاب و ابوالبرکات ابن نجاش، لغت را نزد ابن عصار، قرائات را از ابوالحسن بطاحی و فقه را نزد ابوحکیم نهروانی حنبلی و ابویعلی صفیر فرا گرفت و از ابن بطی، ابوزرع مقدسی، ابن هبیره وزیر و ابوبکر ابن نقور حدیث شنید (ذهبی، المختصر، سیر، همانجاها؛ ابوشامه، ۱۱۹ - ۱۲۰؛ ابن خلکان، همانجا؛ ابن رجب، ۱۱۰/۲) و در تمامی این علوم تبحر یافت.

وی علاوه بر نحو، لغت، فقه و قرائات قرآن، در علم فرائض، حساب، جبر و مقابله و ادبیات نیز صاحب اطلاع بود، تا آنجا که ابن